



مقایسه

هیچ کس بالاتر یا پایین تر از دیگری نیست، هیچ کس مافوق یا زیردست دیگری نیست، بلکه همه چیز با یکدیگر برابر است.

روزی جنگجویی سامورایی که بسیار مشهور و مغرور بود، برای دیدن یک استاد ذن آمد. اما همین که زیبایی، لطف و عنایت استاد را دید، ناگهان احساس نامعقولی به او دست داد.

پس از استاد پرسید: «استاد، همین چند لحظه پیش همه چیز به نظرم خوب بود، ولی زمانی که وارد کلبه شما شدم، احساس ناخوشایندی به من دست داد. من در زندگی ام بارها با مرگ روبرو شده ام، ولی هرگز ترسیده ام و احساس بی لیاقتی نکرده ام. پس چرا حالا احساس بی لیاقتی و ترس دارم؟» استاد گفت: «صبر کن. هر وقت کار رسیدگی به مردم تمام شد، پاسخت را خواهم داد.» تمامی روز مردم برای دیدن استاد می آمدند و می رفتند. مرد سامورایی بسیار خسته شده بود و احساس بی حوصلگی می کرد.

حدود عصر اتاق خالی شد و سامورایی پرسید: «آیا حالا جواب مرا می دهید؟» استاد گفت: «بیا تا باهم از کلبه خارج شویم.»

آن شب ماه کامل در افق طلوع کرده بود. استاد به دو درختی که در کنار کلبه بودند اشاره کرد و گفت: «به این دو درخت نگاه کن؛ یکی از آنها بلند و دیگری کوتاه است. سال هاست که آنها در کنار کلبه من زندگی می کنند و هرگز با هم مشکلی نداشته اند. هرگز نشنیده ام که درخت کوباه تر به درخت

۶۹ ■ مقایسه

بلندتر بگویند، چرا در کنار تو من احساس ناخوشایندی دارم؟ چرا احساس حقارت می کنم؟ چرا هرگز من از آنها چنین چیزهایی نشنیده ام؟» مرد سامورایی پاسخ داد: «زیرا آنها خود را با دیگری مقایسه نمی کنند.» استاد گفت: «پس تو خودت پاسخ را می دانی و نیاز به سؤال کردن از من نداری.»

زمانی که تو هیچ چیزی را با چیز دیگری مقایسه نکنی، تمامی زیردست بودن ها و مافوق بودن ها نابود می شوند. پس تو هستی، خودت. در دنیا به یک برگ درخت همانقدر نیاز است که به ستاره ای بزرگ احتیاج است. دنیا هم به صدای فاخته احتیاج دارد و هم به بودا. اگر صدای فاخته نابود گردد، دنیا ارزشش را از دست خواهد داد.

به تمامی اطرافت نگاه کن، همه چیزها به هم نیازمندند و با هم کاملند. هیچ کس برتر یا پست تر از دیگری نیست. هیچ کس مافوق یا زیردست دیگری نیست، زیرا همه چیز کامل و بی نظیر آفریده شده است.

اگر من هر روز در مقابلهت تعظیم کنم، فقط جهت یادآوری اینکه تو مهمی، آیا اتفاقی خواهد افتاد؟ احتیاجی به این کار نیست، تو همانی که باید باشی، هستی. اگر کسی بخواهد نسبت به دیگران برتر باشد، قصد دارد که بر قانون طبیعت غلبه کند و در این راه دائماً در مبارزه خواهد بود. اما شخص خالص خود را از این بازی ها دور نگاه خواهد داشت و خود را درگیر آنها نخواهد کرد. کسی که هیچ قضاوتی راجع به «من» ندارد، «من» را ناپدید می کند که این عمل، پاکی و خلوص به همراه دارد. پس تنها کاری که می کنی باید این باشد که از میان واژه ها به درون سکوت بیفتی. در سکوت است که به فاصله بین نفسهایتان نگاه می کنید و خالی بودن آنها را احساس می نمایید که این خود گنجینه ای بس گران بهاست. این تجربه، تولدی دوباره است؛ تولدی روحانی. این آگاهی، مقدس است.

برگرفته از کتاب: تمثیل های عرفانی

مترجم: فلورا دوست محمدیان

www.osho.persianblog.com

www.iranosho.0catch.com